



یکی از مصادیق قوّت را امروز دنیای اسلام دارد مشاهده می‌کند و آن، راه‌پیمایی اربعین است؛ وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ. راه‌پیمایی اربعین قوّت اسلام است، قوّت حقیقت است، قوّت جبهه‌ی مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی راه می‌افتند به سمت کربلا، به سمت حسین، به سمت قلّه و اوج افتخار فداکاری و شهادت که همه آزادگان عالم باید از او درس بگیرند

امام خامنه‌ای ۱۳۹۸/۷/۲۱

حضور محترم آیت الله دکتر سید ابراهیم ریسی زیدعزه

رئیس یگانه جمهوری ولایی جهان، جمهوری ترین
جمهوری جهان، ایران همیشه سربلند

سلام علیکم

با صلوات بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ احتراماً
پیرو جلسه‌ای که جمعی از فعالان مردمی اربعین،
به نمایندگی از جامعه فعالان مردمی اربعین،
خدمت دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی،
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه
رسیدیم، گوشه‌ای از مسائل و چالش‌های اربعین
از زبان فطرت برخی از فعالان مردمی اربعین بیان
شد و چون دردِ اذدل برخاسته بود، آتشی برپا کرد و
بر دل هم نشست. تدبیر دبیر محترم شورا آن بود که
در قالب نامه‌ای، این دردها واگویه شود و محضر
رئیس عالی جمهور تقدیم گردد. متن پیش‌رو تلاش
کوچکی است در اجابت این تدبیر:

تحلیل کلان حماسه اربعین

تحلیل راه‌بردی، عمده مشکلات، چالش‌ها، خطاهای
استراتژیک و سوءتدبیرهای مدیریتی اربعین

یکم: تلنگری برای جبهه حق

خورشید اربعین طلوع کرده است و سال به سال بر
درخشش آن افزوده می‌شود. پدیده‌ای که راه را برای
رسیدن به تمدن نوین اسلامی هموارتر خواهد کرد و
زمینه ظهور یگانه منجی موعود را مهیا خواهد نمود.
خورشید حماسه اربعین، آن‌چنان درخشش و
تألؤ دارد که هیچ چشم بینایی را توان انکار آن
نخواهد بود و از همین روست اگر خنثان و ناکسان،
خفاش‌صفت، چنگ بر چهره این خورشید
می‌کشند... و البته راه به جایی نمی‌برند...

در شام فتح‌الفتوح اربعین ۱۴۰۱، پروژه شوم مرگ ژینا،
جرقه آتش اغتشاشی بود که شیرینی این فتح را به
کام مردم مقاوم و خسته دل از فتح زیارت برگشته تلخ
کند و تاریخ فرهنگی اجتماعی معاصر را خواه‌ناخواه
به دو دوره پیشامهسا و پسامهسا تقسیم نماید...

این امر نشانه‌ای از نبرد تمام‌عیار آخرالزمانی جنود
حق و باطل بود، تلنگری برای جبهه حق که در



میانه میدان نبرد، دچار غفلت نگردد، که دشمن
قدار بیدار است و هوشیار...

دوم؛ توقع عامه مردم نجیب و دوست‌دار

سیدالشهداء علیه السلام

این‌که رویکرد و بالتبع خدمات و اقدامات دولت
دوازدهم نسبت به اربعین، غیرقابل‌مقایسه با
سال‌های گذشته و جماعت پیشین بوده‌است،
مسأله‌ای است که هر ناظر منصفی، دور از
غرض‌ورزی‌های سیاسی به آن اقرار می‌کند.
از برداشتن ویزا و تسهیل تمدید گذرنامه و صدور
گذرنامه موقت تا برداشتن عوارض آزادراه‌ها، افزایش
مرزهای خروجی و اهتمام ویژه‌ای که در بسیاری از
مسئولان کشور به خوبی مشهود بوده، تا جایی
که عمده بدنه دولت، در ایام اربعین درگیر مسأله
اربعین بودند. در نگاه کلان، حقیقتاً چنین شرایطی
در گذشته قابل‌تصور هم نبود.

البته که توقع عامه مردم نجیب و دوست‌دار
سیدالشهداء علیه السلام هم همین بوده و هست که این
دولت تمام‌قد پای این ابرویداد جهانی بیاید و
بایستد...

سوم؛ نبرد با اژدهای هفت سر بروکراسی و دیو سیاه تکنوکراسی

اما همه آنانی که از سویی این سال‌ها، در نبرد با اژدهای هفت سر بروکراسی و دیو سیاه تکنوکراسی زخم بر تن داشتند و از سویی دیگر دل در گرو اربعین داشتند، نگران بودند... چرا که از این دیو و آن اژدها برمی‌آمد معجزه عصای موسای اربعین را هم ببلعند! چه این که پیش‌تر هم معجزات دیگری را خاموش کرده بودند... سالیانی نه چندان دور شعله‌های جهادسازندگی را، نزدیک‌تر معجزه راهیان نور را... روزی خیرین را ترسانده بودند و روزی دیگر بانیان خیر را...

حال آن دیو و این اژدها، در همین حوالی پرسه می‌زدند، گاه دور فلان وزیر می‌گشتند و گاه از پشت دیگر وکیل درمی‌آمدند! از قضا در هیبت آدمی، یکی کت و شلوار بر تن و دیگری عبا و عمامه‌ای بر سر... جالب‌تر این که چپ و راست هم برای شان فرقی نمی‌کند... خودشان را در زیر هر ردائی که جا شوند، هل می‌دهند و جاگیر می‌شوند...



مگر آن‌که عرصه را بر ایشان تنگ کرده و بستری را برای حضورشان مهیا نگردانیم... اما چه کنیم که گاه آن چنان در کنج پستو و گوشه دخمه جا خوش کرده‌اند که گویی خانه‌زادند!

جماعت اربعینی سال‌هاست دل‌واپسی و نگرانی خود را بر سر هر کوی و برزنی فریاد کرده‌اند... هر گوش شنوایی را یافته‌اند سفره دل باز کرده‌اند و هرکه را دل‌سوز یافته‌اند، ولو به ظاهر، عقده دل‌گشوده‌اند... و الحق که برای این درد، هم‌درد یافته‌اند و درمان‌گر نه!

شاید برای اولین بار، در این دوره بود که رئیس دولت و معاون اول رئیس و دیگر معاونان و دیگران و دیگران، برای شنفتن حرف جماعت اربعینی پاپتی، وقتی گذاشتند و آغوشی گشودند و...

اما چه حاصل که در هر نشست و برخاستی، سایه شوم آن اژدهای هفت‌سر و دیو سیاه بر مجلس سنگینی می‌کرد...

چهارم؛ جولان دیو و اژدها، نتیجه غفلت و ساده‌انگاری

نتیجه غفلت و ساده‌انگاری و پادادن به آن دیو و اژدها، این شد که با هفت سر نفوذ و نفاق و تزویر

و ریا و چاپلوسی و زرپرستی و زورمداری، در این عرصه و میدان، مجال جولان یافتند... اعوان و انصار خویش را به خوبی در گوشه و کنار این پهنه، جانمایی کردند... تا جایی که رستم‌دستان دولت را هم زمین‌گیر کرد، رحمت‌الله علیه...

۱. فرهنگی‌ترین پدیده، امنیتی‌ترین ساختار

آثار و بقایای سوءتدبیر دیروز امتداد یافت، اربعین را هم چنان «بحران» دیدند و ذیل بخش «امنیتی و انتظامی» وزارت کشور تدبیرش کردند؛ برای «فرهنگی‌ترین» پدیده عصر حاضر، «امنیتی‌ترین» ساختار را در نظر گرفتند و بالتبع نگاه «امنیتی» در تمام عرصه‌ها بر نگاه «فرهنگی و اجتماعی»، سایه انداخت.

یکی از نتایج چنین نگاهی، ایجاد تصویری کاملاً جنگی از شهر مهران بود، استقرار هزاران نیروی یگان ویژه و صدها ماشین ضدشورش و زرهی در شهر و مرز مهران، بستن خیابان‌های شهر مهران با موانع سیمانی، ممنوعیت برپایی موکب در شهر و...

همه این‌ها باعث شد چهره شهری که افتخار خادمی زائران اربعین را دارد، به یک ابرپارکینگ شهر جنگی بدل شود!

دور هم می‌نشینند و تصمیم بر ممنوعیت برپایی موكب در شهر مهران می‌گیرند! بعد جوان مهرانی را وادار می‌کنیم به جای نذر و خدمت به زائر امام حسین علیه السلام، هر زمین خالی را طنابی بکشد و به عنوان پارکینگ از زائران پول دریافت کند! بعد هم با چالش فاجعه بار کمبود آب و یخ در شهر مهران مواجه می‌شویم و به کربلای مهران، آب روان قیمت جان می‌شود!

۲. تهدید محوری به جای فرصت محوری

باز هم تحلیل‌ها و برداشت‌های «تهدید محور» بر سویه‌ها و سیاست‌های «فرصت محور» غالب شد و یک ظرفیت و فرصت بی‌نظیر تمدنی، را در قامت یک تهدید ارزیابی کردند...

۳. دوگانه نامطبوع «اربعین دولتی، اربعین مردمی»

اگرچه امر اربعین، اتفاقی است عظیم که پشتیبانی، تسهیل‌گری، زمینه‌سازی و همراهی دولت‌ها را می‌طلبد، اما نقش اصلی را در این میانه، مردم بر عهده دارند و اگر دولت، نقش مکمل، محامی و استراتژیک خود را به درستی درنیابد، بالتبع نقش مردم را هم به درستی فهم نخواهد کرد و زمینه را برای

ایجاد دوگانه‌ای نامطبوع فراهم خواهد کرد، «اربعین دولتی، اربعین مردمی»؛ سیاست‌ها و راه‌بردهایی که منجر به پس‌زدن مردم می‌شود.

در یک جمله مردمی‌ترین پدیده اجتماعی مسلمین، به دولتی‌ترین شکل ممکن اداره می‌شود!

در سال گذشته مکرراً ترکیبِ واژگانیِ جدیدی را بر سرِدرد موکب‌ها نظاره می‌کردیم: «موکب مردمی...»؛ بی‌چاره را ناچار کرده‌ایم مردمی‌بودنش را فریاد بزند و در چشم مخاطب کند تا مبادا زائران او را هم با موکب فلان سازمان و دیگر نهاد و آن‌یک بانک و... اشتباه بگیرند... ناچار است برای حفاظت از جای‌گاه و نقش مردم در این حماسه، بجنگد تا این اژدها او را هم نبلعد...

این امر، اتفاق جدیدی نیست، دیروزِروز هم شاهدش بوده‌ایم، اما امروز یک تفاوت شگرف را شاهدیم؛ یک جریان «خودمردم‌پندار» حرفه‌ای شکل گرفته است و مردمی‌های دیروز که امروز بر مسندهای دولتی نشسته‌اند، به مراتب خطرناک‌تر از دولتی‌های آن‌روز، مغازه‌های دونبشی را راه انداخته‌اند که در یک نبش آن پشت پیش‌خوان نهاد و سازمان و اداره خود می‌نشینند و در نبش دیگرش، خیریه‌ای زده‌اند یا هیأتی یا موکبی... یا

به هر نحو، مؤسسه‌ای مردم‌نهاده!؛ قلعه حیوانات جورج اورول را که یادتان هست؟ این جماعت، آخرین نسخه فارسی‌اش را به بهترین شکل ویراستاری کرده‌اند و در عمل به چاپ رسانده‌اند!

۴. ستاد خصولتی بازسازی عتبات عالیات، نقطه کانونی چالش‌های اربعین

خصولتی‌سازی بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی واقعی است، سپردن امور مواکب به ستاد خصولتی بازسازی عتبات و پرونده انبوه سوءتداییر این ستاد، تلاش‌های مستمر ستاد برای تصاحب اموال مواکب، مانند ابلاغ اساسنامه تیپ جدید جهت مالکیت اموال پس از انحلال توسط ستاد، اعلام ارائه اموال مازاد مواکب، پس از اربعین به ستاد بازسازی و... نه تنها موجب اختلال در امر اربعین و نارضایتی موکب‌داران شده است، ناامیدی شدید بسیاری از مواکب را هم در پی داشته است.

این سوءتدبیر تا آن جا پیش می‌رود که بعضی از مواکب بزرگ مردمی تصمیم گرفته‌اند موکب خویش را ذیل مواکب کشورهای دیگر راه‌اندازی کنند تا قسمتی از مشکلات‌شان کاهش یابد!

۵. اختلال در حکمرانی اربعین

با همه این حرف‌ها، گاهی تصمیمات و سیاست‌های خوبی در مبدأ اخذ می‌شود اما در مسیر رسیدن تا میدان دچار تغییر تدریجی، تبدیل و تحریف می‌شود و در انتهای این مسیر به چیزی ضدخودش بدل شده است!

بسیاری از مشکلاتی که در میدان پیش می‌آید، نتیجه همین فرایند است. ناهماهنگی بین لایه‌ها و بخش‌های مختلف حکمرانی (به‌عنوان مثال بین فراجا، مرز و فرمانداری‌ها) (محدوده‌های شهری))، عدم نظارت متمرکز، فراگیر، مشرف و چابک و از سوی دیگر عدم وجود فرماندهی میدانی متمرکز و مقتدر از عوامل ایجاد بسیاری از چالش‌های موجود است.

این را اضافه کنید به عدم اعتبار تصمیمات بالادست برای سایر مراتب سازمان‌ها و نهادهای دولتی، تا جایی که در همین سال‌ها بارها و بارها و بارها شاهد مصوبات و تصمیمات خوبی بوده‌ایم که اگر اجرا می‌شدند، اکنون بسیاری از مشکلات وجود نداشت!

این امر را در موارد متعددی مانند عدم ثبات قیمت بلیط اتوبوس و هواپیما، دستور تأمین اتوبوس توسط وزارت خانه‌ها و... می‌توان دنبال کرد.

۶. دوری بدنه مدیران از میدان عینی اربعین

اگرچه خوشحال بودیم دولتی بر سر کار آمده است که رییس آن را در مسیر پیاده‌روی دیده‌ایم و افتخارش آن است که خود خادم اربعین بوده، اما در میدان با مدیریتی روبه‌رو بودیم که انگار کیلومترها از صحنه عینی، ملموس و حقیقی اربعین فاصله داشت و به همین جهت گاه شاهد تصمیمات و تدابیر شگفتی‌سازی بودیم.

به نظر کار و تصمیم، باید دست کسانی می‌بود که حداقل یک بار با زن و بچه و خانواده از یکی از مرزهای زمینی عبور کرده باشد، مسیر جاده‌ها را نه با بالگرد و هواپیما و... نه با راننده و خدم و حشم و محافظ و... نه! خودش ناشناس، پشت فرمان نشسته باشد و تا مرز رسیده باشد، در مهران یا خرمشهر، دنبال جای پارک گشته باشد، در میانه گیت‌های مرزی، معطل شده باشد، حالا نه با کامیون و حتی اتوبوس، اما با ون یا سواری عراقی راهی نجف شده باشد، شب را در میانه موکب‌ها خسبیده باشد، و

خلاصه این که با اهل و عیالش خاک این مسیر را
خورده باشد...

۷. عدم انعطاف «در راه بردها و تصمیمات»

«عدم انعطاف» در راه بردها و تصمیمات قصه
پرغصه دیگری است که باز هم...؛ آن قدر خشک
و مکانیکی تصمیم می‌گیریم که حواس مان نیست
شاید این اطلاق احکام صادره از ما، شاخ و برگ
را خواهد شکست، به ویژه در ساحتی که میدان
تصمیمات نرم و ارگانیک است... همه جا را پادگان
می‌انگاریم و می‌خواهیم همه را بشین و پاشو بدهیم!
خادمی این بارگاه آدابی دارد... ابتدا باید باور داشته
باشی که زائر محترم است، عاقل است، بلوغ
اجتماعی دارد و بعد مبتنی بر این بلوغ اجتماعی
جمععی، عرصه را برای او وصف کنی، او خودش با
تو همراه خواهد شد... در بسیاری از موارد، نیازی به
تجویز و امر و نهی و باید و نباید نیست... قانعش
کن، ببین تا کجا با تو خواهد آمد...

۸. وقتی زائر سیدالشهداء محترم نیست

بیش‌ترین زحمت و اذیت زائران در مرزها، قبل و
بعد از سفر، داخل خاک ایران است!

وقتی زائر سیدالشهداء محترم نیست، به راحتی با هزار بهانه به نحوی تدبیر می‌کنی که زائر باید در همان ابتدای کار قبل از ورود به عراق، کیلومترها پیاده‌روی را تحمل کند! این حل مسأله تجمع زائران در مرز نیست، پاک کردن صورت‌مسأله، بلکه خودش مسأله است!

وقتی زائر سیدالشهداء محترم نیست، برای ساعت‌ها و گاه تا صبح فردا از حرکت خودروی زائران ممانعت می‌کنی، بدون آن‌که فکری برای تبعات این تصمیم کرده باشی، امکانات رفاهی که هیچ، غذا هیچ، حتی آب و سرویس بهداشتی! نه تنها فکری نکرده‌ای، که حتی وقتی گروه‌های مردمی ورود می‌کنند، مانع می‌شوی! و نمی‌دانی نماز چند هزار نفر بدون طهارت، [بدون] وضو و یا قضا شد! در برگشت هم زائران خسته از زیارت، گرفتار مافیای مسافرکشان و دلالان... در مرزها می‌شوند که گوشه کوچکی از آن را در همین ایام عرفه دوباره نظاره کردیم...

۹. عدم دیده‌بانی و آینده‌نگری

«عدم دیده‌بانی و آینده‌نگری»، آفت دیگری است که در بسیاری از عرصه‌ها گریبان مدیران ما را

چسبیده است؛ در این جا هم نگاه نقطه‌ای و نه خطی آفت بسیاری از تصمیمات شد؛ اخبار و روایت‌های نقطه‌ای و خرد، اجازه نگاه کلان و تصویر هوایی را گرفته بود و انگار برج دیده‌بانی یا خالی از دیده‌بان بود یا دیده‌بان دچار ضعف بینایی... انگار که خبر از سیل مهیبی به گوش مان رسیده باشد و بدون احتساب فاصله مبدأ حرکت سیل تا شهر، در ستاد بحران شهر نشسته باشیم و بگوییم این جا که از سیل خبری نیست!

۱۰. عدم ارزیابی پیامدها و تأثیرات اجتماعی فرهنگی تصمیمات

احساس می‌کنی سخن‌گوی محترم ستاد اربعین، حواسش نیست که حرف‌ها و اظهارنظرهایش چه تبعات و پیامدهایی دارد، نمی‌داند که مردم روی حرف‌هایش حساب می‌کنند، روی آن برنامه‌ریزی می‌کنند، متوجه نیست که بالاترین سرمایه اجتماعی نظام که اعتماد عمومی مردم هست را دارد به بازی می‌گیرد.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی فرهنگی یک سیاست، تصمیم یا اقدام، امری است که ظاهراً مسؤولان محترم اربعین تاکنون کم‌تر به آن فکر کرده‌اند.

در ادامه سیاهه برخی از این‌گونه تصمیمات را به‌عنوان شاهد بر کلمات بالا فهرست می‌کنیم:

- وقتی ناگهانی و مفاجأةً اعلام می‌کند که اتوبوس دربستی، مطلقاً ممنوع! مطمئن می‌شوی دور میز تصمیم‌گیری، کسی تاکنون با مسجد محلش یک اردوی شاه‌عبدالعظیم هم نرفته است!

- وقتی ناگهان اعلام می‌کنی که صورت حساب برای اتوبوس‌ها صادر نمی‌شود، باز هم به تبعات حرقت واقف نیستی...

- وقتی ناگهان اعلام می‌کنی پول بلیط‌های اتوبوس‌ها و هواپیماها مسترد گردد!

- وقتی یادت می‌رود که «النجاة فی الصدق» و یادت می‌رود که در چه قرن و سالی زندگی می‌کنی، زل می‌زنی به چشمان دوربین و اعلام می‌کنی همه مرزها تا اطلاع ثانوی بسته‌اند و مردم به سمت مرزها حرکت نکنند! و حواست نیست که هر زائری که از مرز عبور می‌کند، اسلحه‌ای در دست دارد که از بازبودن مرزها، در لحظه فیلم و گزارش می‌رود!

- اعلام می‌کنی پارکینگ‌ها در مرزها اشباع هستند و جایی برای پارک ماشین نیست! و عراق

هم پذیرای زائران ایرانی نیست، بخاطر کمبود آب و غذا و امکانات! و ده‌ها قطعه تصویری برخلاف حرفت فضای مجازی را اشباع می‌کند!

- بنابر آمار رسمی بیش از هفتصد هزار زائر را از مسیر زیارت بازمی‌گردانی و حواست نیست که در زمره چه جماعتی در تاریخ قرار می‌گیری، از سدکنندگان سبیل زیارت حسین علیه السلام!

با شناختی که مواکب و زائران از خصوصیات اربعینی شما دارند تحمل مشاهده این مخالفت عملی کارگزاران دولت جناب عالی با اقامه حماسه اربعین سخت است.

- ازین رفتن سرمایه اجتماعی اقبال متدینین به نظام و تغییر این لطف آشکار الهی به یک تهدید، خود موجب پیامدهای شدیدتری است.
- قطعاً دشمن از تحریف و تبدیل و تخریب این حرکت حسینی به سوی فرج، در سطحی جهانی سود خواهد برد و چه بد که بعضی دوستان با قصد قربت آب به این آسیاب می‌ریزند.

- وقتی بدون این‌که ظرفیت‌های عراقی را سنجیده باشی یا با طرف عراقی هماهنگ کرده باشی، بدون شناخت زیست‌بوم اربعین، مردم را ترغیب می‌کنی زودتر از هنگامه مرسوم و قبل از

شکل‌گیری مواکب در نجف و کربلا، عازم کشور غریب شوند یا اعلام می‌کنی اربعین از فلان روز آغاز می‌گردد، معلوم است که تا چه حد با این پدیده ناآشنایی!

• وقتی ناگهان اعلام می‌کنی گذرنامه‌ها دیگر تمدید نخواهند شد، چیزی از پیامدهای تصمیمت نمی‌دانی...

• وقتی باز هم ناگهان پیامک انبوه می‌زنی که مرزها باز هستند و بفرمایید... ناخودآگاه مخاطب را یاد آن حکمت مولا می‌اندازی که لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا...

• و تو خود بشمار این صف طویل را...

پنجم؛ جریان مردمی، شایستگی، آمادگی و توانایی راه‌بری میدانی اربعین را داراست

این‌که از «مردم» و «جریان مردمی» سخن می‌گوییم، سخن از یک نظام اندیشه جامع، متعالی و مبتنی بر اصول اسلامی است، ما اعتقاد داشتیم و داریم که می‌توان دولت را اربعینی کرد، نه این‌که اربعین را دولتی کنند، اربعین جلوه درخشان به میدان افاده و استفاده آمدن مردم است و این الگو را می‌توان در بسیاری از صحنه‌های دیگر به عرصه آورد.

جریان مردمی، امروز به برکت انقلاب حضرت روح‌الله و جانِ به‌خون‌خفته هزاران نازنین جوان به چنان بلوغی رسیده است که برای حل مسائل مختلف، راه‌های متنوع و خلاقانه دارد، این جریان هوشمند است، مسأله‌شناس است، تکلیف‌محور است، معطل پیچیدگی‌های بروکراتیک نمی‌ماند، خالصاً به میدان می‌آید، چون از درون مردم برخاسته، پذیرش مردم را به همراه دارد، در لایه‌های مختلف حکمرانی از سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری تا قانون‌گذاری و تسهیل‌گری می‌تواند بازوی حاکمیت باشد و بنابر فرمایش حضرت آقا، این جریان باید هدایت آحاد را برعهده داشته باشد...

برخلاف سخن جماعت روشنفکرآب سترون، در اربعین هر آن‌جا که با الگوی صحیح، مردم را میدان دادیم و به آستانه الگوی حکمرانی مردمی نزدیک شدیم، توفیق یافتیم، هر کجا که با قواعد مدیریت جهادی عمل کردیم، توفیق داشتیم و از قضا هر کجا که به اصول نظام بروکراتیک ناکارآمد تن دادیم، میدان را از دست دادیم...

و برای چندمین مرتبه با صدای بلند و رسا اعلام می‌کنیم که جریان مردمی، شایستگی، آمادگی و توانایی راه‌بری میدانی اربعین را دارا می‌باشد، به



شرط آن که دولت مردان ما این جریان را باور کنند و برای این حضور زمینه سازی و پشتیبانی لازم را به عمل آورند، که لولا حضور الحاضر... نه آن که از اتخاذ هر سیاست و راه بردی که به پس زدن جریان مردمی می انجامد، فروگذار نکنند!

ششم:

خورشید اربعین طلوع کرده است و سال به سال بر درخشش آن افزوده می شود. پدیده ای که راه را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی هموارتر خواهد کرد و زمینه ظهور یگانه منجی موعود را مهیا خواهد نمود. خورشید حماسه اربعین، آن چنان درخشش و تلالؤ دارد که هیچ چشم بینایی آن را انکار نخواهد کرد، اگرچه خنثان و ناکسان، خفاش صفت، چنگ بر چهره این خورشید کشند...

يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

رحیم آبروش

خادم جامعه فعالان مردمی اربعین

۳ شنبه ۱۴۰۲/۴/۲۷